

پس از واگذاری امتیاز توتون و تنباکو به کمپانی رژی در 28 رجب 1307 هـ ق (29 اسفند 1268) تجارت توتون و تنباکو به مدت 50 سال به تالیوت واگذار شد. این واقعه خشم روحانیون و مردم را به دنبال داشت. اعتراضات به شهرهای بزرگ مانند مشهد، شیراز، آذربایجان و اصفهان نیز کشیده شد و حتی شهرهای کوچکتری مانند کاشان، یزد، کرمانشاه و سبزوار شاهد تحریکاتی علیه این امتیاز بودند.



عوامل کمپانی رژی در مشهد. تصویر از www.ichs.org

به اقدامی بزنند. سرکنسول روس که نتوانسته بود اقدام علما را در پازل موازنه سیاسی خود داشته باشد، دلیل این امتناع را آن دانست که یکی از مجتهدان طرفدار انگلیس بوده است! و اینچنین شد که این دست شایعات رونق یافت.

کتاب «تحریم تنباکو در ایران» بدون ذکر نام، از روحانی‌ای سخن می‌گوید که هواخواه انگلیس بوده و رشوه‌های کلانی هم گرفته است. دیگر منابع هم به صورت سربسته و مبهم از طرفداری برخی علما از انگلیسی‌ها و حکومت می‌گویند؛ هر چند به صورت مشخص و دقیق به ذکر نام افراد نمی‌پردازند... اما گزارش فتحعلی‌خان صاحب دیوان حکمران خراسان به امین السلطان صدر اعظم وقت نشان می‌دهد که

شیخ محمد تقی در ردیف علمای میانه رو بوده است. او در نامه خود به امین السلطان نوشته بود: «که شیخ محمد تقی باطنا بی‌میل نبود که مردم علیه این شرکت به تظاهرات بپردازند و الا چگونه طلبه‌ها این قسم رفتار می‌کردند و به هیچ تهدید و نصیحتی ساکت نمی‌شدند». این گفته اعتمادالسلطنه در کتاب «مطلع الشمس» نیز بطلان این گونه شایعات را بهتر اثبات می‌کند، آن‌جا که درباره شخصیت شیخ محمدتقی بجنوردی نوشته است: «ایشان به سبب تقوا و زهد بسیار با مستخدمین دیوانی مراوده نمی‌کرد». چنین کسی قاعدتاً باید از بیم نفوذ روس راه سکوت را در پیش گرفته باشد، نه از علاقه به انگلیس.

## در نهضت تحریم توتون و تنباکو در مشهد چه گذشت؟

# در کشاکش کنسول‌گری روس و بیت علما

مینا چوپانی

با پوزش فراوان به آنان توضیح داد که غرامت لغو امتیاز چنان کمرشکن است که از عهده آن بر نمی‌آید و در صورت لغو، انگلیسی‌ها برای وثیقه، بوشهر را اشغال خواهند نمود. وزیر مختار روسیه «بوتزوف» هم دوستانه متذکر شد که اگر این امتیاز لغو نشود شما هم باید دست از شهر (مشهد) بشویید.

### تجار، دست به دامان مجتهدین

حاجی ابوالقاسم، ملک التجار مشهد با چند نفر از تجار نزد «شیخ محمدتقی بجنوردی»، «حاج حبیب مجتهد شهیدی» و «میرزا احمد مجتهد» برای شکایت از تبعات امتیاز تنباکو رفتند. ظاهراً در این مرحله مجتهدان حاضر نشدند دست

مشهد فرستاد تا تجار تنباکو هر چه در بساط دارند، دو دستی به او تقدیم کنند و خرید و فروش‌های صورت گرفته بدون اجازه آن‌ها نباشد. تجار مشهد هم با زورگویی‌های فتحعلی‌خان به این کار تن دادند.

### روس‌ها، نخستین مخالفان رژی

در اوایل ربیع الاول 1309 هـ ق کمپانی رژی فعالیت‌هایش را در مشهد شروع کرد. مدتی نگذشته بود که اعتراضات مردم مشهد شروع شد. روسیه هم از اعطای امتیاز تنباکو به انگلیس دلخور بود. زیرا سود و منفعت کشت توتون و تنباکو در زمین‌های شمالی کشور بر باد می‌رفت. روسیه رسماً ناراضی‌اش را به شاه اعلام کرد و چنان فشاری به دربار آورد که شاه

### تیغ فتحعلی‌خان زیر گلوله‌ی تجار مشهد

شرکت رژی هر جا که قدم می‌گذاشت با مخالفت تجار و مردم و علما مواجه می‌شد. حتی در برخی شهرها مردم از ورود عوامل شرکت جلوگیری کردند. شرکت رژی که اوضاع را چنین دید، دست به کار شد. در مشهد، مدیرعامل شرکت، «ارتستین» شخصی به نام دانیال را به مشهد فرستاد تا صاحب دیوان مشهد «فتحعلی‌خان» و علمای مشهد را متقاعد نماید تا با شرکت رژی همکاری کنند.

صاحب دیوان، فتحعلی‌خان، که در زورگویی به مردم ید طولایی داشت دست دانیال را برای همکاری فشرده. شرکت رژی نیز بدون معطلی نماینده شرکت، «محمد علی اصفهانی» را به

روسیه رسماً ناراضی‌اش را به شاه اعلام کرد و چنان فشاری به دربار آورد که شاه با پوزش فراوان به آنان توضیح داد که غرامت لغو امتیاز چنان کمرشکن است که از عهده آن بر نمی‌آید و در صورت لغو، انگلیسی‌ها برای وثیقه، بوشهر را اشغال خواهند نمود.

## حبیب الله مجتهد خراسانی (1266-1327 هـ ق)

علاوه بر دروس حوزوی در نجف، زبان فرانسه را آموخت و عرفان را نزد میرزا مهدی گیلانی خواند. حدود سال‌های 1300 تا 1316 هـ ق ریاست دینی خراسان را به عهده داشت. ظاهراً با مشروطه موافق نبود اما چندان ابراز نمی‌کرد. در پی آشنایی با عارفی به نام ابوالقاسم در گزی به خلوت‌نشینی مشغول شد و پس از رحلت، در حرم مطهر به خاک سپرده شد.

## سید محمد تقی بجنوردی (وفات 1314 هـ ق)

بعد از تحصیل علوم دینی در محضر شیخ مرتضی انصاری و محمدحسن نجفی در نجف به زادگاهش بجنورد بازگشت اما به خاطر اختلافش با سالار مخم، حاکم وقت بجنورد، برسر معامله املاک با قبیله‌جات صوری، به مشهد مهاجرت کرد و مشغول تدریس شد. جمعیت زیادی هنگام برپایی نماز به مسجد گوهرشاد می‌آمدند تا نماز را به امامت او بخوانند. آرامگاه او در دارالسیاده مسجد گوهرشاد است. پیش از نوسازی اطراف حرم، خانه‌اش در کوچه‌ای به نام او در ابتدای خیابان شیرازی شهرت داشت.

## میرزا ابراهیم شریعتمدار و ماجرای نهضت در سبزوار

از تلگرافهایی که در مورد صدور فتوای میرزای شیرازی، رد و بدل شده، معلوم می‌شود در سبزوار اعتراضاتی نسبت به شرکت رژی شکل گرفته است. در این میان تنها تلگراف به آقای حاجی میرزا ابراهیم شریعتمدار وجود دارد که نشانگر وجود روابط و تلگراف‌های دیگری هم هست. «سبزوار - خدمت جناب عمادالاسلام آقای حاجی میرزا ابراهیم شریعتمدار - دام علاقه - چون به جهت مفاسد مداخله در بلاد اسلام، بندگان حضرت حجت الاسلام - دام ظلّه العالی - حکم به حرمت استعمال مطلق دخانیات بای نحو کان فرموده‌اند... محض اعلای کلمه حق عرض می‌شود... حکم به حرمت باقی و اجتناب لازم و رخصت نیست - حسین النوری».

البته تلگراف‌خانه‌های سایر بلاد هم تلگرافات را از مردم پنهان داشتند تا غائله از بین برود. میرزا ابراهیم شریعتمدار شاگرد شیخ مرتضی انصاری و حاج ملاهادی سبزواری است و بانی مدارس زیادی در سبزوار، مزینان و کاشمر بوده. اموال وقفی‌اش به کاروان‌سرای آقا و حمام آقا در سبزوار مشهور است.